

فن آوري هسته‌اي ايران و چالشهاي پيش رو

هومن اسكندري

مقدمه:

كشف انرژي هسته‌اي، بدون ترديد يكي از مهم ترين و مؤثرترين كشفيات انسان در تمامي طول تاريخ بوده است. کاربرد تكنولوژي هسته‌اي فقط در محدوده توليد برق يا نيروگاههاي اتمي نيست؛ بلكه فعاليت هاي هسته اي در زمينه توسعه انساني، اقتصادي و صنعتي، حوزه وسيع و جامعي را دربر مي گيرد.

كاربردهاي تكنولوژي هسته اي

در كشاورزي، از تكنيك‌هاي هسته اي مي توان براي توليد بيشتر محصولات كشاورزي، افزايش تنوع ژنتيكي، مقابله با آفات گياهي و توليد گياهان مقاوم در برابر شوري آب و خاك استفاده كرد. استفاده از تكنيك‌هاي هسته اي شورورزي به ويژه در سرزمين ايران با 24 ميليون هكتار اراضي شور، ضروري به نظر مي رسد.¹

در دامپزشكي و دامپروري از دانش هسته اي جهت تشخيص، كنترل و پيشگيري از بيماري‌هاي دام و طيور و آبزيان، کاهش و يا رفع انواع آلودگي هاي ميكروبي موجود در خواك مصرفي آن ها و محصولات دامی، همچنين افزايش ارزش غذايي تركيبات موجود در خوراك دامها استفاده مي شود.

كاربرد دانش و فن آوري هسته اي در پزشكي بسيار گسترده و متنوع مي باشد كه اگر فقط به راديوداروها و بهره گيري از بيوتكنولوژي و ميكروارگانيسم‌ها اشاره كنيم، اين اهميت آشكار مي گردد.²

از قابليت هاي هسته اي در صنعت فقط به راديوايزوتوپ ها اشاره مي كنيم كه در صنايع، به عنوان ابزار كنترل و اندازه گيري مورد استفاده قرار مي گيرند. از جمله كارايي راديوايزوتوپ ها در صنعت مي توان به نشت يابي در خطوط لوله هاي انتقال نفت با استفاده از ردياب Br - 82، ساخت لامپ‌هاي نوراني (بتالاييت)، تعيين ميزان خاكستر (Ash) در زغالسنگ، بررسي وضعيت كوره‌هاي مذاب در صنايع شيشه‌سازي، ساخت چشمه‌هاي Am-142 جهت استفاده در دكتورهاي دودي و سيستم‌هاي شناسايي گازهاي سمی، كنترل

جوش‌های صنعتی و سیستم‌های هسته‌ای ضخامت سنج جهت کنترل خط تولید محصولات، اشاره نمود.³

از آنجا که تولید برق و خودکفایی در این زمینه، گام نخستین هر کشور برای صنعتی شدن می باشد، ضرورت بهره‌گیری از نیروگاه‌های برق هسته‌ای در این راستا دارای اهمیت فراوان می باشد. همچنین از تکنیک‌های هسته‌ای می توان برای تبدیل آب‌های شور به آب‌های شیرین در مناطقی که با محدودیت منابع آب‌های شیرین مواجه هستند (مانند سرزمین ایران) استفاده کرد.

بدین ترتیب مشاهده می گردد گستره استفاده صلح آمیز از فن آوری های هسته‌ای بسیار وسیع و متنوع می باشد.

معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)

انفجار بمب‌های اتمی آمریکا بر فراز شهرهای ناکازاکی و هیروشیما در سال 1945 و ظهور سلاح‌های هسته‌ای با توان وارد آوردن خسارت های سهمگین و جبران ناپذیر، موجب آشنایی انسان با قدرت تخریب فوق العاده انرژی هسته‌ای گردید و از همان ابتدا نگرانی‌های مهمی را در سطح جهان ایجاد کرد.

بعد از جنگ جهانی دوم تلاش‌های جهانی برای مهارکردن گسترش سلاح‌های هسته‌ای آغاز شد؛ ابتدا عزم عمومی بر آن بود که سلاح‌های هسته‌ای کلاً محو و نابود شوند اما آغاز جنگ سرد میان دو ابرقدرت آمریکا و شوروی و تغییر سیاست های استراتژیک پنج کشور هسته‌ای آن دوران⁴ برای توسعه و آزمایش سلاح‌های هسته‌ای جدید و وابستگی استراتژیک هسته‌ای کشورها به یکدیگر، این تلاش ها را ناکام گذاشت. به این ترتیب دیپلماسی برای مهارکردن سلاح‌های هسته‌ای از راه سازمان ملل آغاز شد که سرانجام، این تلاش ها در معاهده‌ای تحت عنوان "پیمان منع گسترش سلاح های هسته‌ای (NPT)" تبلور یافت که پیش نویس آن در سال 1968، توسط کمیته 18 نفری خلع سلاح، به مجمع عمومی سازمان ملل تسلیم شد و مجمع نیز طی قطعنامه شماره 2373 آن را به تصویب رساند. آژانس بین المللی انرژی اتمی نیز به عنوان یکی از موسسات تخصصی سازمان ملل متحد، در این راستا با تصویب مجمع عمومی سازمان ملل به وجود آمد.

پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای دو هدف عمده را دنبال می‌کند؛ نخست این که بر طبق NPT، کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای⁵ تعهد می‌کنند که از انتقال سلاح‌های هسته‌ای به کشورهای دیگر خودداری کنند و کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای نیز متعهد می‌شوند که از تلاش برای ساخت یا دریافت این سلاح‌ها خودداری ورزند و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) را به عنوان مسئول نظارت برای اجرای این پیمان بپذیرند. هدف دوم که به اندازه اولی اهمیت دارد کمک به گسترش استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای برای تمامی کشورها می‌باشد.⁶

بدین ترتیب می‌بینیم که بر اساس این تعاریف، کشورهای دنیا به دو دسته کشورهای قدرتمند و کشورهای ضعیف تقسیم شده و هیچکدام از اهداف NPT نیز تاکنون تحقق نیافته است. که بدان پرداخته خواهد شد. لازم به ذکر است که ایران در سال 1968، NPT را امضاء کرده و در سال 1970 آن را به تصویب رساند.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و راهکارهای نظارتی

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای نظارت بر اجرای NPT و تعهدات اعضای آژانس، قراردادهای بازرسی را با آنان امضاء می‌کند. یکی از این قراردادها، قرارداد بازرسی INFICIRC/66 می‌باشد که بر طبق آن، آژانس فقط از تأسیساتی بازرسی می‌کند که دولت عضو، داوطلبانه خواهان بازرسی از آن می‌شود و طبیعتاً بازرسی از همه تأسیسات هسته‌ای یک کشور را شامل نمی‌شود. در این نوع قرارداد، اصولاً نظارت بر تأسیساتی که مورد استفاده نظامی و غیرصلح‌جویانه قرار می‌گیرند، پیش‌بینی نشده است. لازم به ذکر است که دولت‌های عضو دائم شورای امنیت و اسرائیل، هند، پاکستان، آفریقای جنوبی، برزیل و آرژانتین این نوع قرارداد بازرسی را با آژانس امضاء کرده‌اند.

مجموعه مقررات بازرسی از دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای، در قرارداد بازرسی INFICIRC/153 تدوین شد که دولت ایران نیز این قرارداد را در سال 1973 با آژانس امضاء کرد. این قرارداد تحت سند شماره INFICIRC/214 به ثبت رسید و پس از تحویل مصوبه مجلس شورای ملی به آژانس از مه 1974، لازم‌الاجرا گردیده است. لازم به ذکر

است، از آن جا که این سند يك مدل و الگو است، مفاد آن باید در همه موافقت نامه‌های دوجانبه بازرسی با کشورهای غیرهسته‌ای عضو NPT، رعایت شود.⁷

آژانس بین المللی انرژی اتمی با انواع روش های بازرسی بر اجزای مفاد پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نظارت می‌کند. بازرسی عادی در محل معرفی شده از سوی دولت های عضو صورت می‌گیرد و حق بازرسی فقط شامل محل های ذکر شده در اظهارنامه های دولتی می‌شود. شدت و دفعات این نوع بازرسی بستگی به مواد هسته‌ای غنی شده، میزان و نوع مواد رادیواکتیو موجود در خاک کشور و تأسیسات و فن آوری هسته‌ای آن کشور دارد. در پایان بازرسی نیز اگر اقدامات دولت عضو ناقض قرارداد بازرسی نباشد، فقط صلح آمیز بودن فعالیت های هسته‌ای دولت عضو تأیید می‌شود. برخی از بازرسی‌ها به صورت داوطلبانه و به پیشنهاد دولت های عضو، توسط آژانس صورت می‌گیرد.

در مواردی که آژانس، بازرسی از مواد هسته‌ای یا تأسیسات هسته‌ای یکی از کشورهای عضو را ضروری بداند، یا برای بازرسی محموله‌های مواد هسته‌ای در هنگام صدور و فروش آن‌ها، بازرسی‌های ویژه صورت می‌گیرد.

آژانس بین المللی انرژی اتمی در قبال تخلف دولت های عضو غیرهسته‌ای، با توجه به شدت و ضعف و نوع تخلفی که این دولت‌ها مرتکب می‌شوند، اقدامات تنبیهی و بازدارنده‌ای از قبیل تعلیق حق رأی، تعلیق امتیازات و گزارش به شورای امنیت سازمان ملل متحد را انجام می‌دهد. ارسال گزارش‌ها به شورای امنیت، ممکن است زمینه ساز صدور قطعنامه‌هایی بر ضد دولت خاطی شود که پیامدهای آن ممکن است بسیار شدید و حتی جبران ناپذیر باشد.

پروتکل الحاقی 2 + 93

کشف برنامه‌های هسته‌ای مخفیانه عراق بعد از جنگ اول خلیج فارس و همچنین آگاهی از فعالیت‌های مشکوک هسته‌ای کره شمالی، بهانه‌ای شد تا آمریکا و کشورهای غربی، ضرورت اصلاح و تقویت نظارت بر فعالیت های هسته‌ای دولت های فاقد سلاح های هسته‌

ای را مطرح سازند. این دولت ها استدلال می کردند که رژیم نظارتی NPT در کشف فعالیت های اظهار نشده این کشورها موفق نبوده است.

بدین منظور شورای حکام آژانس برای تقویت سیستم های نظارتی آژانس بر فعالیت های هسته ای اظهار نشده دولت های فاقد سلاح هسته ای و نظارت بر اجرای تعهدات آن ها، در دسامبر 1993، بررسی برنامه ای تحت عنوان 2 + 93 را برای مدت دو سال آغاز کرد.

کمیته منتخب این شورا، در 15 مه 1997 پیش نویس این پروتکل را به تصویب شورای حکام رساند که این سند به نام «پروتکل تقویت توان سیستم نظارتی آژانس بر فعالیت های هسته ای» تصویب گردید. این پروتکل دارای یک مقدمه، 18 ماده و 2 ضمیمه است و بر طبق ماده 1 این پروتکل، در صورت بروز هرگونه تعارض بین مفاد قرارداد بازرسی (153) و این پروتکل، مقررات پروتکل 2 + 93 اعمال خواهد شد.⁸

لازم به ذکر است که این پروتکل جنبه اختیاری دارد؛ یعنی کشورهایی که به اصل کنوانسیون می پیوندند مجبور نیستند که پروتکل را بپذیرند، بلکه پذیرش آن نیاز به طی مراحل جداگانه تصویب دارد.

تعهدات دولت های امضاء کننده پروتکل در مقایسه با دیگر قراردادهای بازرسی بسیار گسترده تر و شامل تهیه و ارائه انواع اطلاعات و همچنین فراهم کردن دسترسی تکمیلی بازرسان آژانس به اماکن و فعالیت های مرتبط و حتی غیر مرتبط می باشد که به برخی از آنها اشاره می گردد.

دولت های امضاء کننده موظفند اطلاعات کافی در مورد اماکن تحقیق و توسعه چرخه سوخت هسته ای که متضمن کاربرد مواد هسته ای نیست و همچنین شرح فعالیت ها و هویت اشخاص و نهادهای انجام دهنده فعالیت ها را به نشانه حسن نیت (!) در اختیار آژانس قرار دهند.

برطبق ماده 2 پروتکل، دولت های عضو باید اطلاعات اجباری را به آژانس ارائه کنند که شامل مواردی چون اطلاعات در خصوص محل فعالیت های تحقیق و توسعه چرخه سوخت هسته ای (تبدیل، غنی سازی، تولید، راکتورها، تأسیسات حساس پردازش مجدد سوخت هسته ای و پردازش زباله های اتمی که شامل پلوتونیم، اورانیوم غنی شده و U_{233} باشد)، اطلاعات در مورد فعالیت های علمی در تأسیسات و مکان های خارج از سایت های هسته ای اطلاعات درباره هر ساختمان یا سایت شامل کاربری و محتویات آن و نقشه سایت، اطلاعات در مورد

مکان، وضعیت عملیاتی و ظرفیت تخمینی تولید سالیانه معادن اورانیوم و کارخانه های تغلیظ توریم دولتی و خصوصی، اطلاعات در مورد تجهیزات خاص و مواد غیرهسته ای از قبیل راکتورها و تجهیزات مربوطه، کارخانه های تولید آب سنگین و ...، همچنین اطلاعات پیرامون مقادیر موجود، کاربرد و امکان مواد هسته ای که بر طبق قرارداد بازرسی 153 معاف از بازرسی و نظارت و اظهار بوده اند و اطلاعاتی درباره برنامه های کلی 10 سال آینده در خصوص توسعه چرخه سوخت هسته ای و موارد فراوانی از این قبیل می باشد.

اگر آژانس در خصوص اطلاعات فوق ابهامی مشاهده کند، دولت های عضو باید با توضیحات قانع کننده خود آژانس را تأمین کنند. بدین ترتیب می بینیم که عملاً اطلاعات درخواستی توسط بسیار فراتر از آن چیزی است که آژانس برای نظارت بر فعالیت های هسته ای کشورهای عضو به آن ها نیاز دارد.

بر طبق ماده 5 پروتکل، کشورهای امضاء کننده پروتکل باید دسترسی به مکان ها و تأسیسات ذیل را برای بازرسان آژانس فراهم کنند: هر مکانی که در محل سایت قرار داشته باشد؛ هر مکانی که دولت های عضو قبلاً مشخص کرده اند؛ هر نوع تأسیسات یا مکان خارج از تأسیسات که از کار افتاده یا راکد باشد و هر مکانی که آژانس برای انجام نمونه برداری محیطی مشخص می کند (که این مورد بسیار کلی و گسترده می باشد).

طبق پروتکل 2 + 93، دسترسی به امکان، بسیار گسترده تر از قراردادهای بازرسی است و می تواند شامل امکانی شود که در آنها مواد هسته ای وجود دارد و نه فعالیت های هسته ای صورت می گیرد.

موارد دیگری از قبیل پذیرش بازرسان، صدور روادید برای آنها، ایجاد تسهیلات جنبی و تأمین سیستم های ارتباط مستقیم بازرسان با مقر آژانس یا پذیرش تجهیزات ارتباطی بازرسان، جزو تعهدات کشورهای امضاء کننده پروتکل می باشد.⁹ پروتکل 2+93 پس از امضاء و تصویب دولت مربوطه، بر آن کشور لازم الاجرا خواهد بود.

بررسی همه موارد فوق حاکی از آن است که اهداف آژانس بسیار فراتر و گسترده تر از نظارت بر تأسیسات هسته ای کشورهای امضاء کننده پروتکل و بسیار خطرناک و قابل تأمل می باشد که بدان پرداخته خواهد شد.

تاریخچه انرژی اتمی در ایران

دغدغه دستیابی به فناوری هسته‌ای و ساخت نیروگاه‌های اتمی از اوایل دهه 50 در ایران قوت می‌گیرد و با توجه به نیاز کشور به انرژی هسته‌ای و لزوم تنوع بخشیدن به منابع تامین انرژی، مسئولان وقت به فکر توسعه فناوری در داخل می‌افتند. در سال 1957 یک موافقت‌نامه همکاری هسته‌ای بین ایران و آمریکا امضا شد و 1 سال بعد ایران به عضویت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (I.A.E.A) درآمد. در سال 1967 یک راکتور تحقیقاتی پنج مگاواتی در دانشگاه تهران توسط آمریکا راه اندازی شد و آمریکا چند سال بعد بر اساس قراردادی منعقد می‌شود که سوخت این راکتور پژوهشی را تأمین نماید. در سال 1970 ایران پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (N.P.T) را امضا کرد و سازمان انرژی اتمی ایران (A.F.O.I) تأسیس گردید. در نوامبر 1974 ایران قرارداد خرید دو راکتور 1200 مگاواتی برای نصب در بوشهر را با آلمان امضاء کرد. در اوت 1975 شرکت «گرانیت و رک یونیون» آلمان غربی کاررویی نیروگاه‌های هسته‌ای را در ایران به خود اختصاص داد و در دسامبر 1977 دولت آلمان با دریافت 4/8 میلیارد دلار مجوز ساخت چهار راکتور هسته‌ای را به این شرکت داد.¹⁰ در سال 1354 براساس موافقت‌نامه همکاری صلح‌جویانه اتمی میان فرانسه و ایران، دولت فرانسه هفت مورد مشخص را متعهد می‌گردد. اول، تأسیس یک مرکز تحقیق و توسعه اتمی در ایران. دوم، تربیت نیروی متخصص ایرانی در زمینه هسته‌ای با ایجاد و توسعه مؤسسات هسته‌ای. سوم، تحویل ظرفیت برق اتمی تا 5000 مگاوات از طریق ایجاد راکتورهای قدرت آب سبک 900 و 1000 مگاواتی. چهارم، ایجاد یک مرکز صنعت ملی برای تولید اورانیوم در ایران به منظور تأمین سوخت نیروگاه‌های اتمی ایران. پنجم، فرانسه متعهد می‌گردد و ششم همکاری در زمینه راکتورهای فوق‌زاینده را در ایران به لحاظ کمک به استقلال ملی از لحاظ انرژی مورد بررسی قرار دهد که همکاری در زمینه ایجاد تأسیسات آب شیرین‌کن با استفاده از نیروگاه‌های اتمی و هفتم قرارداد ساخت دو نیروگاه هسته‌ای به ظرفیت 900 مگاوات در دارخوین.¹¹

لازم به ذکر است که در این سال‌ها، مصوبه ای مبنی بر ساخت 23 نیروگاه اتمی و برخورداری کشور و ملت ایران از 23 هزار مگاوات برق هسته ای تصویب شد که نشانگر گسترش نقش تکنولوژی هسته ای در آن مقطع بود.

در سال 1977 ایران برای تأمین اورانیوم طبیعی خود سهام شرکت «راسینگ» نامیبیا را نیز خریداری نمود. در 10 جولای 1978 نمایندگان آمریکا و ایران صورت نهایی «توافق انرژی هسته ای ایران و آمریکا» را که مدت ها روی آن کار شده بود تصویب و امضاء نمودند. این توافق دو جانبه، همکاری در انرژی هسته ای ایران را امکان پذیر می ساخت.

مدیریت وقت انرژی اتمی ایران در راستای استقلال هسته‌ای و منافع آینده ملت ایران، سرمایه گذاری‌های عظیمی در کارخانه اردیف، بزرگترین کارخانه غنی سازی اورانیوم به روش دفیوژن گازی در دنیا واقع در تریکاستین فرانسه، انجام داد و 10 درصد سهام آن را خریداری نمود. لازم به ذکر است که کشورهای فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، بلژیک و ایران سهامداران این کارخانه هستند و فرانسوی‌ها برای ورود ایران به غیر از دریافت‌های بهای سهم ایران 2 میلیارد دلار حق ورود گرفته بودند.

اما با وقوع انقلاب اسلامی در بهمن ماه 1357 و تبلیغات گسترده تفکرات چپ و انترناسیونالیست‌های مذهبی در راستای سلب جنبه‌های اقتدار و قدرت از ملت ایران، با این عنوان که «مادیرگر نمی خواهیم ژاندارم منطقه خلیج فارس باشیم»، تاریخ ایران وارد فاز جدیدی گردید.

همراستا با تضعیف ارتش (لغو قراردادهای تسلیحاتی که بعضاً پول آنها هم پرداخت شده بود و اعدام و تصفیه افسران ارشد)، لغو قراردادهای اقتصادی و سرمایه گذاری‌های عظیم ایران در صنایع استراتژیک غرب و ...، انرژی هسته ای ایران نیز که با سرمایه گذاری‌های فراوان در حال نضج گرفتن بود به همین سرنوشت دچار گردید. وزیر نیرو در دولت موقت صراحتاً اعلام کرد: «ایجاد نیروگاه‌های اتمی را برای تولید برق در ایران یک برنامه صددرصد استعماری می دانیم و قراردادهای مربوط به همکاری‌های اتمی ایران با کشورهای دیگر لغو می گردد...». در همین راستا، فریدون سحابی، رئیس وقت سازمان انرژی اتمی نیروگاه اتمی بوشهر را تعطیل نمود. این نیروگاه در آن سالها به انبار کاه و یونجه تبدیل شده بود.

بعد از فرونشستن جو انقلابی سالهای اولیه، در اواسط دهه 60 حکومت جمهوری اسلامی به فکر دستیابی به فن آوری هسته‌ای افتاد و فعالیت‌های محدودی آغاز گردید.¹³ با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و آواره شدن دانشمندان اتمی شوروی سابق این فرصت طلایی در اختیار جمهوری اسلامی قرار گرفت تا با جذب تعدادی از این دانشمندان، فعالیت‌های هسته‌ای خود را سرعت بخشد. با کنار کشیدن و عدم همکاری آلمان، فرانسه، آمریکا و دیگر کشورهای غربی در انجام تعهدات قبلی، سرانجام در سال 1995، قرارداد تکمیل یکی از راکتورهای اتمی بوشهر با روسیه با امضاء رسید که با توجه به شرایط آن روز، شرایط آن به نفع ایران بود. اما عدم همکاری روس‌ها در انجام تعهدات در موعد مقرر و الحاقیه‌های پیاپی به این قرارداد از جمله «بازگرداندن زباله‌های اتمی نیروگاه بوشهر به روسیه» که حاوی مواد هسته‌ای با ارزش اقتصادی بالا و تأثیرگذار در چرخه سوخت هسته‌ای ایران می‌باشد، امروز تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر به یکی از چالش‌های هسته‌ای ایران تبدیل گردیده است. این شرایط که معلول سیاست‌های استراتژیک روسها در مقابله با قدرت ایران در حوزه دریای مازندران (قفقاز و آسیای مرکزی) و همچنین محدودیت‌ها و ضعف روس‌ها در مقابله با دنیای غرب می‌باشد و همچنین توجه به این مطلب که دیپلماسی ضعیف روس‌ها هیچگاه نتوانسته حامی متحدان و دوستان در حال سقوط، مانند عراق باشد، رویای تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر در آینده نزدیک را با تردیدهای جدی مواجه می‌سازد.

ادعاهای نابجا و غیر واقعی مسئولان در مورد توانایی‌ها و مسائل هسته‌ای ایران و به تبع آن ورود بازرسان آژانس به ایران، دیپلماسی ناپخته جمهوری اسلامی در مذاکرات هسته‌ای با سه کشور اروپایی، گردن نهادن به توافقات و معاهدات بین‌المللی غیر منطبق با منافع ملی و استفاده از ادبیات غیر دیپلماتیک توسط برخی از مسئولین، نه تنها جمهوری اسلامی بلکه، منافع ملت ایران را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است.

رویدادها و چالش‌های هسته‌ای چند سال اخیر جمهوری اسلامی به تفصیل در رسانه‌ها و مطبوعات و اظهارنظرها مورد بررسی قرار گرفته و به همین خاطر از تکرار آنها می‌گذریم.

نتیجه‌گیری

بررسی همه ی موارد ذکر شده در این نوشتار ما را به نتایج ذیل می رساند:

1- نقش مهم و متنوع فن آوری های هسته ای در زندگی امروز بشر غیرقابل تردید و انکار به شمار می رود. بدین ترتیب بهره گیری از انرژی هسته ای و تکنولوژی وابسته به آن که در خدمت به ملت ایران و در راستای بهبود و پیشرفت زندگی ایرانیان قرار گیرد، از نیازها، ضرورت ها و بایدهای امروز و فردای جامعه ایران و حق مسلم و غیرقابل چشم پوشی و چانه زنی، برای ملت بزرگ ایران به شمار می رود.

2- سرزمین ایران به علت اهمیت فوق العاده ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و قرارگرفتن در محدوده بیضی استراتژیک انرژی (بین دو حوزه خلیج فارس و دریای مازندران) که نقش عمده ای در تحولات آینده بین المللی ایفا خواهد کرد، همواره در معرض مخاطرات منطقه ای و بین المللی بوده و ملت ایران باید همواره از توان مناسب دفاعی در برابر این مخاطرات برخوردار باشد.

ایران در منطقه ای واقع شده که قدرت های هسته ای اطراف آن را احاطه کرده اند. در شرق ایران پاکستان، هند و چین، در شمال، قزاقستان و روسیه و در غرب، اسرائیل¹⁴ مجهز به سلاح های هسته ای می باشند و کشورهای چون ترکیه، مصر و عربستان در راه دستیابی به این تسلیحات تلاش می کنند. همانطور که مشاهده می شود اکثر این کشورها در طول تاریخ از دوستان و متحدان ایران به شمار نمی رفته اند و اختلافات ارضی، اختلافات هویتی، دشمنی های تاریخی و چالش های استراتژیک آینده همواره در بین ایران و این کشورها وجود داشته و خواهد داشت.

به این ترتیب تا وقتی که یک خلع سلاح جهانی در زمینه تسهیلات اتمی صورت نگرفته و این محدوده به منطقه عادی از سلاح های اتمی تبدیل نگردد، برخورداری از سلاح های هسته ای به عنوان یک اهرم بازدارنده و عاملی برای حفظ و دستیابی به منافع ملی برای ملت ایران از ضروریات به شمار می رود.

3- دولت در اختیار دارنده تسلیحات هسته ای باید درک و توانایی مسئولیت در مقابل جامع بشری را داشته باشد؛ افکار عمومی جهان نمی تواند به حکومت جمهوری اسلامی که همواره در پی ایجاد تنش های منطقه ای و بین المللی بوده و از اقدامات خشونت بار اعراب در فلسطین، لبنان و سوریه و مناطق دیگر حمایت کرده و از ادبیاتی غیر دیپلماتیک استفاده می

کند، اعتمادی داشته باشد. افکار عمومی ملت ایران و جامعه بین الملل چگونه می تواند به حاکمیتی غیرملي اعتماد داشته باشد که حتی از بروز ساده ترین و کوچکترین آزادی های مدنی در جامعه جلوگیری می کند؟

چه تضمینی وجود دارد که چنین حکومتی از اهرم سلاح های هسته ای برای تثبیت موقعیت خود در کشور و در صحنه بین المللی سوء استفاده نکند؟ به همین دلیل افکار عمومی ملت ایران و مردم جهان نگران دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح های اتمی می باشد.

4- پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای (NPT) ناکارآمد و دارای نقاط ضعف عمده ای می باشد و هیچکدام از اهداف آن تا کنون تحقق نیافته است. برخلاف محتوای NPT، قدرت های هسته ای موفق به تکثیر عمومی (کیفی) زرادخانه های اتمی خود شده اند و به دلایل سیاسی و تجارتي، نسبت به تکثیر و اشاعه افقی (کمی) جنگ افزارهای هسته ای تلاش کرده اند. بعد از سال 1968 نیز کشورهایمانند اسرائیل، هند، پاکستان و کره شمالی با کمک قدرت های هسته ای به سلاح های هسته ای دست پیدا کرده اند. کشورهای هسته ای به تعهد اصلی خود در چهارچوب NPT که همانا رسیدن به خلع سلاح کامل و عمومی است، عمل نکرده اند. هدف دوم NPT نیز کمک به گسترش استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای بوده تا کنون در حد حرف و شعار باقی مانده و با تبعیض ها و نارضایتي های چشمگیر همراه بوده است. بدین ترتیب NPT به ابزاری برای کنترل کشورهای مستقل جهان سوم و غیر هسته ای تبدیل شده است. از همه مهمتر اینکه NPT پیمانی تبعیض آمیز است که ملتها و کشورها را به دو دسته دارا و ندار تقسیم می کند و با تمدید نامحدود NPT، مالکیت سلاح های هسته ای توسط پنج کشور هسته ای و تمایز میان کشورهای هسته ای و غیرهسته ای به صورت قانونی درآمد است¹⁵. این پیمان حتی در میان اعضای خود موفقیتی نداشته است و کشورهایمانند هند، پاکستان، برزیل و اسرائیل نیز که دارای برنامه های هسته ای گسترده ای هستند، هنوز به عضویت این رژیم در نیامده اند.

5- پروتکل الحاقی (2 + 93) از NPT هم ظالمانه تر است. پذیرفتن پروتکل الحاقی موجب مخدوش شدن اصل حفظ اطلاعات محرمانه می شود چرا که حجم وسیعی از اطلاعات مرتبط و غیرمرتبط با فعالیت های هسته ای به سوی آژانس سرازیر شده و هیچ سازوکاری

در پروتکل 93+2 وجود ندارد که حفاظت از اطلاعات محرمانه از سوی بازرسان را تضمین کند.

بازرسی های پیش بینی شده در پروتکل 93+2 بسیار شدیدتر از بازرسی های معمول در سایر کنوانسیون ها بوده و جنبه مداخله گرایانه در امور داخلی يك کشور دارد. پذیرفتن چنین پروتکلی مخدوش کننده امنیت ملی و دقیقاً به معنای واگذاری بخشی از حاکمیت کشور به يك سازمان بین المللی است که اساس کار آن بر مبنای تبعیض بین کشورها قرار دارد. تعهدات وسیعی که يك کشور بر طبق پروتکل می پذیرد، موجب تضعیف حاکمیت ملی می گردد.

قابل توجه است که خیلی از کشورها 93+2 را امضاء نکرده اند یا اجرایی نکرده اند. از بین 183 کشور عضو NPT ، تنها 78 کشور برای امضاء پروتکل الحاقی اعلام آمادگی کرده اند که فقط 35 کشور آن را تصویب و اجرا می کنند.¹⁶ بسیاری از این کشورها حتی توان تهیه مایحتاج اولیه زندگی مردم فقیر خود را ندارند و برای تأمین برق روزانه پایتخت خود دچار معضل می باشند، چه برسد به آن که توانایی دستیابی به اهداف هسته ای را داشته باشند. بررسی موارد فوق ما را به این نتیجه می رساند که پذیرفتن پروتکل الحاقی متناقض با اصل حاکمیت ملی، ناقص امنیت ملی، مخالف کنوانسیون های بین المللی و حتی مغایر با روح حاکم بر NPT می باشد. لازم به ذکر است که پیش نویس اولیه پروتکل الحاقی توسط دولت گذشته امضاء شده و به نظر می رسد علیرغم همه تبلیغات و جو سازی ها ، برای حفظ مصلحت های نظام جمهوری اسلامی به تصویب مجلس شورای اسلامی هم برسد.

6- لازمه دستیابی به فن آوری هسته ای وجود زیرساخت های مناسب علمی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی است که در حال حاضر در کشور ما وجود ندارد. ساخت تأسیسات و ساختمان های نیروگاههای نطنز و اراک که بعضاً توسط پیمانکاران مرتبط و خویشاوند رئیس سازمان انرژی اتمی انجام گرفته، به معنی دستیابی به فن آوری هسته ای نیست. حتی در پروسته غنی کردن اورانیوم که منوط به طی چهار مرحله آزمایشگاهی، پایلوت، نیمه صنعتی و صنعتی است، ایران هنوز در مرحله آزمایشگاهی قرار دارد.

از لحاظ علمی، تیم تحقیقاتی قوی و بومی شرایط لازم برای چنین مهمی می باشد که در ایران وجود خارجی ندارد. دکتر رضا منصوری رئیس انجمن فیزیک ایران در گفت و گو با ایرانا به صراحت اعلام کرد: «ایران هرگز به فن آوری هسته ای دست نیافته است و اعلام

چنین توانایی محقق نشده ای، موجب غرور کاذب شده است»¹⁷. در هنگام بازرسی های اولیه بازرسان آژانس از ایران، کارشناسان سازمان حتی از توجیه فنی دستگاهها و قطعات خریداری شده عاجز بودند.

بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی با وجود هزاران نفر - ساعت بازرسی از تأسیسات مرتبط و غیر مرتبط ایران و در اختیار داشتن دستگاهها و ابزار حساس ردیاب رادیواکتیو، گزارشات خود را به این سازمان ارسال می کنند. کشورهای غربی و ایالات متحده با تبلیغ و بزرگنمایی فعالیت های هسته ای ایران اهداف خاصی از قبیل وادار کردن جمهوری اسلامی به تغییر رفتار یا احیاناً زمینه سازی برای تغییر آن و همچنین معاهدات زورگویانه و استعماری برای پیش گیری از اقدامات آینده یک ساختار سیاسی ملی را در نظر دارند؛ اما سوال در این جاست که مسئولان جمهوری اسلامی چرا با ادعاهای غیر معقول و غیر منطقی به این تنش ها دامن می زنند؟ آیا به راستی خود باور کرده اند که جمهوری اسلامی به فن آوری هسته ای دست یافته ویا تصور می کنند از این حربه می توانند در چانه زنی های بین المللی برای تثبیت موقعیت خود بهره گیرند؟

7- نکته قابل تأمل و خطرناک این است که به چه علت جمهوری اسلامی وارد مذاکره با سه کشور اروپایی گردیده است؟ این دولتها عدم پایبندی خود به تعهداتشان را در گذشته هم نشان داده اند. آلمان ها با نیمه کاره رها کردن ساخت نیروگاهی که 80 درصد آن ساخته شده بود و کشاندن قضیه به دادگاههای بین المللی ماهیت خود را نشان داده اند. شرکت زیمنس سال ها برای سوخت آماده نیروگاه بوشهر که پول آن را هم دریافت کرده بود انبارداری می گرفت ولی سوخت را به ایران نمی داد. فرانسه هم با نیمه کاره گذاشتن ساخت نیروگاه اتمی کارون یک و رها کردن 500 میلیون دلار اموال و کالاهای ایران همسو با آمریکا ادعاهای میلیاردی خود را در دادگاههای پاریس مطرح نمود. طرفهای فرانسوی با بلوکه کردن یک میلیارد دلار از حق الورد ایران به «اردیف» و با ادعاهای واهی بخش عمده آن را به نفع خود مصادره نمودند، یعنی هم اجازه برداشت اورانیوم غنی شده از این کارخانه را که متعلق به ما بود و پول آن را داده بودیم به ما نمی دادند و هم خسارت عدم برداشت سهم تولید کارخانه یعنی اورانیوم غنی شده را از ایران طلب می کردند که در نوع خود عبرت آموز و حاکی از بی کفایتی مسئولین وقت در دفاع از منافع ملی می باشد.¹⁸

جدا از بررسی این مقوله که هیچکدام از مذاکره کنندگان طرف ایرانی اهلیت و توانایی لازم برای مذاکره را ندارند،¹⁹ چون نه پیشینه امر را می دانند و نه آشنا به صنعت هسته‌ای هستند، نفس نشستن پشت میز مذاکره با دولت های غیر ذینفع و غیرمسئول و امضاء هر گونه تفاهم نامه، موافقت نامه و معاهده بین المللی در این رابطه، دارای تبعات سنگین و تکالیف بین المللی خطرناک برای آینده ملت ایران خواهد بود. بخشی از اهداف مزورانه و خطرناک کشورهای غربی را در خلال مفاد موافقت نامه های دوجانبه به وضوح می توان مشاهده کرد.

8- در نظام هایی که حکومت آن ها برخاسته از دامن ملت باشد و وظیفه و رسالت اصلی خود را در حفظ و صیانت از منافع ملی ببیند، مصالح حکومت منطبق بر منافع ملی خواهد شد. اما در نظام هایی با حکومت های غیرملی و فرقه ای، مصلحت حکومت ها همیشه منطبق با خواستها و منافع ملت نخواهد بود و بعضاً در تضاد با منافع ملی قرار می گیرد. ممکن است مصلحت‌های جمهوری اسلامی در ادامه بحران هسته ای و در نهایت امضای تعهدات بین المللی برای تثبیت موقت موقعیت خود باشد، اما آیا سکوت در برابر چنین پروسه‌ای که در نهایت منجر به درهم شکستن یکی دیگر از خطوط قرمز ملت ایران خواهد شد، منطبق و هم راستا با منافع ملت بزرگ ایران خواهد بود؟

پاینده ایران

یکم آذرماه 1384

پی نوشت ها و منابع

- 1- ارتباط، ماهنامه داخلی سازمان انرژی اتمی، خرداد 1383، سال ششم، شماره دوم.
- 2- برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به : ارتباط، تیرماه 1383، سال ششم، شماره سوم.
- 3- نقش رادیوایزوتوپ ها در صنعت، همان منبع
- 4- آمریکا، شوروی، چین، فرانسه و انگلستان
- 5- پنج کشوری که قبل از اول ژانویه 1967، سلاح های هسته ای را تولید و منفجر کرده اند.
- 6- آشنایی با معاهدات خلع سلاح، کاظم غریب آبادی، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، 1381، چاپ اول.
- 7- همان منبع
- 8- برای آگاهی از متن پروتکل مراجعه کنید به: حافظ، شماره 1، فروردین 1383.
- 9- پروتکل الحاقی به معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره 189-190.
- 10- منصور تاراجی (سردبیر سابق روزنامه اطلاعات)، گزارش، سال چهاردهم، 1 مرداد 1383.
- 11- گفت و گو با معاون برنامه ریزی و امور بین الملل سازمان انرژی اتمی، کیهان، شماره 18203، 84/1/23
- 12- روزنامه کیهان در مصاحبه با عباس تاج، 18 فروردین 1358.
- 13- منبع شماره 11.
- 14- بر طبق آمار ارائه شده توسط فدراسیون دانشمندان آمریکایی در سال 2003، اسرائیل حدود 200 کلاهک اتمی، هند 100 و پاکستان 50 کلاهک اتمی در اختیار داشته اند.
- 15- منبع شماره 9.
- 16- این 35 کشور عبارتند از: جمهوری آذربایجان، بنگلادش، بلغارستان، بورکینافاسو، کانادا، کراوسی، قبرس، استرالیا، جمهوری دموکراتیک کنگو، جمهوری چک، ژاپن، اکوادور، گرجستان، آفریقای جنوبی، اسلونی، رومانی، ترکیه، پرو، لهستان، پاناما، نروژ،

نيوزلند، ازبکستان، موناكو، ليتواني، لتوني، كويت، اردن، مجارستان، اندونزي، مالي،
وايتكان و مغولستان.

17- همشهری، 7 آبان 1382، سال يازدهم، شماره 3209

18- مصاحبه روزنامه جمهوري اسلامي با دكتور رضا امرالهي قائم مقام وزير نيرو ورئيس
سابق سازمان انرژی اتمی.

19- همان منبع .